

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

مشخصات کتاب

نویسنده: علیرضا هزار

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

در این نوشتار کوتاه روایاتی از حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) نقل شده است که در آن به مهدویت و مسائل مربوط به آن اشاره شده است. کوله نوشت حاضر در سه بخش می‌باشد: ۱- شخصیت و زیست نامه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام). ۲- روایات رسیده از وی در باره امام زمان (علیه السلام) به همراه ترجمه فارسی آنها. ۳- یک نتیجه‌گیری کوتاه بر اساس روایات نقل شده.

زندگانی عبدالعظیم حسنی

عبدالعظیم به عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین» و «الیوم و اللیله» مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزرگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است به موجب روایتی که امام هادی (علیه السلام) در باب فضیلت زیارت او آورده‌اند، روشن می‌شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (۲۵۴ هـ - ق) در گذشته است، و می‌توان گفت در آغاز دهه ششم از سده سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است مؤلف کتاب «جنه النعیم» با آنکه نام زوجه آن جناب را هم نوشته [۱] متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها می‌نویسد: «پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل ۲۵۰ هجری، چند سال قبل از

شهادت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) باشد.» [۲] از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) معاصر بوده است. اما آیا محضر حضرت امام علی بن موسی (علیه السلام) را هم درک کرده و حدیثی شنیده است مؤلف الذریعه در این باره می نویسد: «عصر امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی (علیه السلام) عرضه کرد. و از برخی کتابها نقل است که وفات او در نیمه شوال سال ۲۵۲ هجری است.» [۳] ابن بابویه در «من لا یحضره الفقیه» در باب روزه یوم الشک، روایتی از او از امام رضا (علیه السلام) آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی شناسم.» [۴] همچنین در تعلیقه‌ی شهید ثانی بر «خلاصه» آمده است که حضرت رضا (علیه السلام) بر زیارت او توصیه فرموده است. [۵] لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری می نویسد: «ظاهر این است که روایت حضرت رضا (علیه السلام) در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) است، نه برای عبدالعظیم.» [۶] استاد بزرگوار آیه الله خویی (ره)، آنچه را که در کتاب «اختصاص» آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان»، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته‌اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، امام رضا (علیه السلام) را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام در گذشته باشد.» [۷] پس ظاهراً بلکه مطمئناً وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیماً از او روایتی شنیده است.

مقام او نزد ائمه اطهار

آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می سازد، و عظمت مقام او را نشان می دهد، فرموده امام عصر اوست درباره اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است.

سخن امام هادی درباره وی

ابوتراب رویانی از ابوحماد رازی می‌آورد که بر علی بن محمد (علیه‌السلام) در «سُرْمَن رَی» در آمدم. و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت. چون او را وداع گفتم فرمود: «حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی پرس و سلام مرا به او برسان». [۸] همچنین این امام بزرگوار درباره‌ی او دعا کرده و دین او را درست خواند. صدوق به اسناد خود از وی می‌نویسد: بر امام خویش علی بن محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) در آمد. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی». گفتم: «پسر رسول خدا! می‌خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم». فرمود «بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم، به خدا این دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است بر آن پایدار باش خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد». [۹]. نیز صدوق آورده است که مردی به ابوالحسن علی بن محمد هادی (علیه‌السلام) در آمد امام (علیه‌السلام) از او پرسید کجا بودی؟ گفت: زیارت حسین (علیه‌السلام) رفته بودم. فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می‌کردی چون کسی بودی که قبر حسین (علیه‌السلام) را زیارت کرده است. [۱۰].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری

ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است. ۱) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۸۱ هـ - ق) کتابی درباره‌ی این بزرگوار به نام «اخبار عبدالعظیم» [۱۱] دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است. وی درباره‌ی عبدالعظیم نوشته است: عابد، پارسا و مرضی بود. [۱۲]. ۲) صاحب، اسماعیل بن عباد، ادیب و دانشمند

معروف (متوفای ۳۸۵ هـ.ق)، وزیر مؤید الدوله و فخر الدوله دیلمی، مشهور به صاحب به عباد، به تقاضای شخصی، رساله‌ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین آورده است: پارسا و دین‌دار و عابد و شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و روایت بسیار از او نقل است. از ابو جعفر بن علی بن موسی (علیه السلام) و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر (علیه السلام) روایت کند و آن دو امام را برای او نامه‌هاست. [۱۳]. [۳]. ابونصر [سهل بن عبدالله] بخاری مؤلف کتاب «سرالانساب» که با نقل مؤلف الذریعه از دانشمندان سده‌ی چهارم هجری است، او را به زهد و علم ستوده، و گوید در ری، در مسجد شجره مدفون است. [۱۴].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده پنجم هجری

۱) علم الهدی و التّقی سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ.ق) وی را با صفت‌های «سید پارسا، عالم زاهد، بلند مرتبت، بزرگ منزلت» ستوده و می‌نویسد: از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایت‌های او تاکنون بهره برده است. [۱۵]. [۲]. دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م ۴۵۰ هـ.ق) در کتاب رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می‌کنیم). سپس سلسله روایت خود را از وی از طریق احمد بن علی تا به ابوتراب رویانی می‌آورد و می‌نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله، همه روایت‌های خود را برای ما حدیث کرد. [۱۶]. [۳]. شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ هـ.ق) نویسد: عابد، پارسا و مرضی بود. [۱۷]. [۴]. سید عالم نسب‌دان ابو اسماعیل ابراهیم بن عبدالله بن حسین بن علی شاعر، صاحب کتاب «منتقله الطالبیه»، [۱۸] در زمره طالبیانی که به ری آمده‌اند درباره عبدالعظیم

نویسد: ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود. او را مشهدی است در شجره‌ری و قبر او را زیارت کنند. مادر او ام ولد است.

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هفتم

در کتاب «الشجره المبارکه فی الانساب الطالیه» که آن را از امام فخر رازی [۱۹] دانسته‌اند آمده است: عبدالعظیم در وی کشته شد و مزار او بدان جا معروف و مشهور است. [۲۰] آنچه در باب کشته شدن حضرت عبدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمده، در کتابهای دیگر نیست. تنها مؤلف «جنه النعیم» می‌نویسد: بنا بر این استبعاد نمی‌رود که حضرت عبدالعظیم به امر سلطان جائر و خلیفه معاصر مقتول شده باشد و این بعد از اجتماع شیعیان و محبین و نشر احوال و فضایل و مآثر شریفش بوده است. [۲۱] ولی آیا کتاب «الشجره المبارکه» از فخر رازی است؟ چنانکه مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته‌اند، هیچ کس از تذکره‌نویسان، چنین کتاب را در شمار تألیفات فخر رازی نیاورده است.

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هشتم

۱) تقی‌الدین، حسن بن علی بن داوود حلی؛ [مرحوم سید جلال‌الدین محدث نویسد: وی ظاهراً متوفی در نیمه اول سده‌ی هشتم هجری است چه کتاب خود را در هفتصد و هفت به پایان رسانیده است. تقی‌الدین درباره او می‌نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب عابدی پارسا و پسندیده بود. [۲۲]

۲) حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه‌ی حلی (م ۷۲۶ هـ.ق) در کتاب «خلاصه» در باره‌ی او گوید: عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند و ما آن حکایت را در کتاب کبیر آورده‌ایم مؤلف «روضات» می‌نویسد: شاید مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش. [۲۳].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده نهم

۱) مؤلف کتاب «عمده الطالب»، سید احمد بن علی داوودی حسنی (م ۸۲۸ هـ - ق) نویسد: از عبدالله بن علی شدید. عبدالعظیم متولد شد. سیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود. [۲۴] و هم این مؤلف در کتاب دیگر می نویسد: نسل علی الشدید بن الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) از عبدالله بن علی است و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و حسن... و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز. [۲۵].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده یازدهم

۱) محمد باقر بن محمد استرآبادی مشهور به میرداماد (م ۱۰۴۱)؛ وی در «الرواشح السماویه» گفته است: از سخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، مدفون به مشهد شجره ری - رضی الله تعالی عنه و ارضاه - حسن است، چه او ممدوح است و نصی بر توثیق او نیست. لیکن در نظر من ناقد بصیر و متبصر خبیر این نظر را مستهجن و قبیح می شمارد و اگر درباره ی او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده ی امام هادی ابوالحسن ثالث (علیه السلام) که «تو به حق دوست مایی» و نسب شریف وی که از سلاله نبوت است نبود، او را کفایت می کرد. [۲۶] مرحوم نوری می نویسد: محقق داماد در «رواشح» در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده؛ از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب است. [۲۷].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده دوازدهم

۱) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه» می‌نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند. این بابویه گفته است او مرضی بود. علامه و نجاشی نیز چنان گفته‌اند. صدوق در «ثواب الاعمال» آورده است که زیارت او چون زیارت حسین (علیه‌السلام) است. [۲۸]

۲) علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ - ق) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم» روایت منقول از امام هادی (علیه‌السلام) را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین (علیه‌السلام) است از «ثواب الاعمال» صدوق و «کامل الزیارات» و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است. ۳) محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازه مجلسی برای او در سال ۱۰۹۸ صادر شده پس می‌توان او را از عالمان سده‌ی یازدهم و متوفای سده‌ی دوازدهم به شمار آورد) اردبیلی در باره‌ی عبدالعظیم می‌نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله حسن علوی... عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل ری نقل کند آورده است). [۲۹].

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده سیزدهم

۱) محمد بن اسماعیل حائری (م ۱۲۱۵ هـ - ق) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» در باره‌ی او می‌نویسد: «او راست کتاب «خطب امیرالمؤمنین، علیه‌السلام». وی مردی عابد و پارسا بود.»

نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهاردهم

۱) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب المقال فی احوال الرجال» می‌نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید حسن بن علی بن

ابی طالب ثقه‌ای جلیل‌القدر بود. گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمرد و به خاک سپرده شد. امام هادی (علیه‌السلام) به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می‌کردی چون کسی بودی که حسین بن علی (علیه‌السلام) را زیارت کرده است. [۳۰].

عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

اشاره

آنچه فرا روی شماست، مجموعه‌ایست کوچک از هشت روایتی که از عبدالعظیم حسنی (علیه‌السلام) درباره‌ی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) رسیده است. این روایت‌ها که واجد سندهای پذیرفته‌ای هم هستند در موضوعاتی بسان ویژگی‌های امام عصر (اروحنافداه)؛ غیبت و آثار آن؛ انتظار و فضیلت آن؛ عصر ظهور و رخدادهای آن و نیز برتری منتظران بر غیرمنتظران آمده است کوشیده‌ایم این اخبار را از مصادر و منابع اولیه نقل کنیم گفتنی است که از جمله روایتی که در این مجموعه آمده است روایت مشهور به عرض دین است. این روایت بلندترین روایت رسیده از حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام) است که تاکنون شرح‌هایی هم بر آن نگاشته شده است. علت اینکه این روایت در این مجموعه نشسته است، بحث مهدویت است که در پایان آن مطرح شده است.

قیام قائم

عن عبدالعظیم الحسنی (رضی عنه الله) قال: قلت لمحمد بن علی بن موسی (علیهم‌السلام): یا مولای انی لارجو ان تكون القائم من اهل بیت محمد الذی یملا الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. فقال (علیه‌السلام): ما منّا الا قائم بأمر الله. و هاد الی دین الله ولكن القائم الذی یطهر الله به الارض من اهل الکفر والجحود و یملا الارض قسطاً وعدلاً هو

الذی یخفی علی الناس ولادته، و یغیب عنهم شخصه، و یحرم علیهم تسميته، و هو سُمی رسول الله و کنیه، و هو الذی تطوی له الارض و یذل له کلّ صعب، یجتمع الیه من اصحابه عدّه اهل بدر: ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلاً من اقاصی الارض و ذل قول الله: (أَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً ان اللهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ) [۳۱] فاذا اجتمعت له هذه العدد من اهل الاخلاص اظهر الله امره، فاذا کمل له العقد و هو: عشره آلاف رجل خرج باذن الله، فلا یزال یقتل اعداء الله حتّی یرضی عزّوجلّ قال عبدالعظیم: فقلت له: یا سیدی! فکیف یعلم ان الله قد رضی قال: یلقى فی قلبه الرحمه، فاذا دخل المدینه اخرج اللات والعزی فأحرقهما. [۳۲] عبدالعظیم حسنی گفت: به حضرت جواد عرض کردم: من امیدوارم که آن «قائم» که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد از خاندان حضرت رسول الله، شما باشی حضرت فرمود: ای ابوالقاسم! ما اهل بیت همه قائم به امر خداوندیم و راهنمای دین او هستیم، لیکن آن قائم که خداوند بوسیله او جهان را از کفر و آلودگی و ظلم و جنایت پاک خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، کسی است که ولادت او از انظار مخفی می ماند و شخص او از مردم پنهان می شود، و بردن نام او بر مردم حرام می گردد، آن حضرت با پیغمبر هم نام و هم کنیه است، وی آن شخصی است که زمین از برای او در هم پیچیده می گردد و هر دشواری برایش آسان می شود، یاران وی که به اندازه ی اصحاب بدر هستند در هر کجای دنیا باشند پیرامونش جمع می شوند، و تفسیر آیه ی شریفه ی (أَیْنَ مَا تَكُونُوا یَأْتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً ان اللهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ) در هر جایی که باشید خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این معنی است، هر گاه این عده که از اهل اخلاص اند اجتماعی کنند، خداوند امر او را اظهار خواهد نمود، وقتی که لشکریان آن حضرت که ده هزار نفرند بهم پیوندند در این هنگام به فرمان و اذن پروردگار ظهور خواهد نمود، و دشمنان خداوند را خواهد کشت تا از وی راضی گردد عبدالعظیم حسنی گوید: عرض کردم: آن بزرگوار از کجا می داند که خدا از وی راضی شده است فرمود: در دل وی

رحمت و عاطفه‌ای پیدا می‌شود که حاکی از رضایت خداوند است و هرگاه داخل مدینه شود، لات و عزی را از قبر بیرون می‌کند و می‌سوزاند.

سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور

۲. حدّثنا محمّد بن احمد الشیبانی (رضی عنه الله) قال: حدّثنا محمّد بن ابی عبد الله الكوفی قال: حدّثنا سهل بن زیاد، عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی قال: سمعت ابا الحسن علی بن محمّد العسکری (علیهم السّلام) یقول: معنی الرجیم أنّه مرجوم باللّعن، مطرود من مواضع الخیر، لا یذکره مؤمن الاّ لعنه، و انّ فی علم الله السابق أنّه اذا خرج القائم (علیه السّلام) لا یبقی مؤمن فی زمانه الاّ رجمه بالحجاره كما كان قبل ذلك مرجماً باللّعن. [۳۳] از عبد العظیم حسنی (علیه السّلام) رسیده است که گفت از حضرت هادی (علیه السّلام) شنیدم که می‌فرمود: مقصود از «رجیم» از رحمت و آمرزش دور شدن و از درگاه خداوند رانده گردیدن، و از منبع فیض طرد شدن است، هیچ مؤمنی او را بیاد نمی‌آورد مگر بالعن و نفرت، و از علم خداوند گذشته که هرگاه ولی عصر ظهور نماید همه‌ی مؤمنین زمان آن حضرت، شیطان را سنگ‌باران خواهند کرد، همان طور که پیش از او بالعن و نفرین رانده شده بود.

نامه نبوی – علوی

۳. محمّد بن علی بن الحسین قال: حدّثنا ابو العباس محمّد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی (رضی عنه الله) قال: حدّثنا الحسن بن اسماعیل قال: حدّثنا سعید بن محمّد بن القطان قال: حدّثنا عبید الله بن موسی الرویانی عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی، عن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب قال: حدّثنی عبد الله بن محمّد بن جعفر، عن ابیه عن جدّه انّ محمّد بن علی باقر العلم (علیه السّلام) جمع ولده و فیهم عمّه زید بن علی، ثمّ اخرج کتاباً الیهم بخطّ علی و املاء رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) مکتوب فیهِ

بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من الله العزيز الحكيم الى محمد نوره وسفيره، وحجابه ودليله، نزل به الروح الامين من عند رب العالمين عظم يا محمد اسمائى، واشكر نعمائى، ولا تجحد آلائى، انى انا الله لا اله الا انا، قاصم الجبارين، ومذل الظالمين، ومبير المتكبرين، وديان يوم الدين، انى انا الله لا اله الا انا، فمن رجا غير فضلى، او خاف غير عدلى عذبتّه عذاباً لا اُعدّه احداً من العالمين؛ فايّاي فاعبد، وعلى فتوكل، انى لم ابعث نبياً فاكملت ايامه وانقضت مدته الا جعلت له وصياً وانى فضلتك على الانبياء، وفضلت وصيك على الاوصياء، واكرمتك بشليك بعده و بسبطيك الحسن والحسين، وجعلت حسناً معدن علمى بعد انقضاء مدّه ابيه، وجعلت حسناً خازن و حى و اكرمته بالشهاده و ختمت له بالسعاده فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجه، جعلت كلمتى التامه معه والحجّه البالغه عنده، بعترته اُثيب و اعاقب، اولهم «على» سيد العابدين، وزين اوليائى الماضين، وابنه سمى جدّه المحمود «محمد» الباقر لعلمى والمعدن الحكمتى، سيهلك المرتابون فى «جعفر» الرادّ عليه كالرادّ علىّ، حقّ القول منى لا كرم منّ مثنوى جعفر، ولأسرّنه فى اشياعه وانصاره واوليائه وانتجبت بعد «موسى» فتنه عمياء حندس؛ لانّ خيط فرضى لا ينقطع، و حجّتى لا تخفى، وانّ اوليائى يسقون بالكأس الاوفى، من جحد واحد منهم فقد جحد نعمتى، ومن غير آيه من كتابى فقد افترى علىّ، ويل للمفترين الجاحدين عند انقضاء مدّه موسى، عبدى و حيبى، وخيرتى فى «على» وليّى وناصرى ومن اضع عليه اعباء النبوه، وامتحنه بالاضطلاع بها يقتله عفريت متكبر، يدفن فى المدينه التى بناها العبد الصالح الى جنب شرّ خلقى. حقّ القول منى لا سرّنه «محمد» ابنه، وخليفته من بعده و وارث علمه، فهو معدن علمى وموضع سرّى و حجّتى على خلقى، لا يؤمن به عبد الا جعلت الجنّه مثواه و شفّعته فى سبعين من اهل بيته كلهم قد استوجبوا النار، واختم بالسعاده لابنه «على» وليّى وناصرى، والشاهد فى خلقى، و امينى على و حى، اخرج منه الداعى الى سبيلى، والخازن لعلمى «الحسن» واكمل ذل بابنه «م ح م د» رحمه للعالمين، عليه كمال موسى و بها عيسى و صبر ايوب، فيذلّ اوليائى فى زمانه، وتتهادى رويسهم كما تتهادى رويس الترك

والد یلم، فیقتلون، و یحرقون و یكونون خائفین، مرعوبین و جلیین، تصبغ الارض بدمائهم، و یفشو الویل والرّنه فی نساءهم، اولئک اولیائی حقّاً، بهم ادفع کل فتنه عمیاء حنّس، و بهم اکشف الزلازل، و ادفع الاصرار و الاغلال، اولئک علیهم صلوات من ربّهم و اولئک هم المهتدون ثمّ قال فی آخره: قال عبدالعظیم: العجب کلّ العجب لمحمّد بن جعفر و خروجه اذ سمع اباه (علیه السّلام) یقول هكذا و یحکّیه ثمّ قال: هذا سرّ الله و دینه و دین ملائکته؛ فسنه آلا اهلہ و اولیائه [۳۴]. ۳- عبدالله بن محمّد بن جعفر از پدرش و او از جدش روایت کرده که حضرت باقر (علیه السّلام) فرزندان خود را پیرامونش جمع نمود و در میان آنها عمّ آن حضرت زید بن علی هم بود، پس از آن حضرت باقر (علیه السّلام) کتابی را بیرون آورد که به خط امیرالمؤمنین (علیه السّلام) و املاء حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلّم) بود، و در آن کتاب مطالب ذیل نوشته شده بود بسم الله الرحمن الرحیم این کتابی است از خداوند توانا و درستکار به سوی محمّد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده ای محمّد! نامهای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدایی که جز من معبودی نیست، شکننده‌ی پشت ستمگران و عزّت دهنده‌ی ستمدیدگان، و قاضی و حاکم روز رستاخیز. منم خداوندی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیدوار باشد، و یا غیر از عدل من از دیگری بترسد او را عذابی دهم که احدی را مانند آن عذاب نکرده باشم اکنون مرا عبادت کن و بر من توکل نما. پیغمبری را مبعوث نمی‌کنم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصی قرار می‌دهم، و من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصیّت را نیز بر سایر اوصیاء برگزیدم، و تو را گرامی داشتم به دو فرزندت حسن و حسین که دو شیر بچه‌اند، حسن را بعد از گذشتن زمان پدرش معدن علم خود قرار دادم، و حسین را گنجور وحی خویش ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم، و عاقبت کار او را به سعادت ختم نمودم، او افضل شهداء است و بلندترین مقام را در میان آنها دارد، کلمه‌ی تامه و حجّت بالغه خود را در نزد او

گذاشتم، بوسیله عترت او جزا می‌دهم و عقاب می‌کنم اولین آن عترت «علی» است که پیشوای عبادت‌کنندگان و زینت دوستان گذاشته‌ام هست، و فرزندش «محمد» که همانم جدش می‌باشد شکافنده‌ی علم و معدن حکمت من است، زود است که مردم درباره‌ی «جعفر» به شک افتند و هلاک گردند، کسی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شیعیان و دوستان و پیروانش خوشنود خواهم ساخت. پس از وی به «موسی» فتنه‌ی تاریک و ظلمانی نازل خواهد شد، رشته تقدیراتم بریده نمی‌شود و برهانم پنهان نمی‌ماند و دوستانم از جام پری سیراب می‌گردند، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسی کرده، هر که آیه‌ای از کتاب مرا جا به جا کند بر من دروغ بسته، وای بر مفترین و منکرین. در این هنگام که زمان «موسی» منقضی شود، بنده و دوست و برگزیده‌ام «علی» که ولی و یاری کننده‌ی من است خواهد آمد، کسی که سنگینی‌های نبوت را بر دوش او می‌گذارم و او را به قوت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش می‌کنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهد کشت، و در شهری که بنای آن بدست بنده صالح گذاشته شده در نزد بدترین مخلوقات من دفن خواهد گردید. گفتارم ثابت است او را بوسیله فرزندش «محمد» که جانشین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محل اسرار و بر مخلوقاتم حجت است، هیچ بنده‌ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در هفتاد نفر از خویشاوندانش که آتش جهنم بر آنها لازم شده باشد شفیع خواهم ساخت. فرزند او «علی» را که دوست و یاری کننده‌ی من است عاقبت کارش را به سعادت و خوشبختی پایان می‌دهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد و از وی دعوت کننده به طریقم و خازن علم خود «حسن» را بیرون خواهم آورد، و او را به فرزندش «م ح م د» که وسیله آمرزش برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. در این فرزند کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب نهفته است، در زمان او دوستانم خوار خواهند شد و سرهای آنها را به یکدیگر هدیه

خواهند داد همان طور که سرهای ترک و دیلم را به هم هدیه می دادند، اینان کشته می شوند و سوخته می گردند، آنان همواره ترسان، مرعوب و اندیشه مند هستند، زمین به خون اینها رنگین می شود، فریاد و ناله و بانک و شیون از زنان آنها بلند است، و اینها از دوستان واقعی من هستند، بوسیله اینها هر فتنه تاریک و ظلمانی را دفع خواهم ساخت، و به خاطر اینها زلزله ها را برطرف می کنم و سختی ها و ظلم ها را برمی دارم، این دسته از مردم مشمول رحمت خداوند بوده و صلوات او شامل حال آنها می باشد و اینان هدایت شده هستند در پایان حدیث عبدالعظیم فرمود: از محمد بن جعفر تعجب است پس از اینکه این حدیث را از پدرش شنید و آن را از برای مردم بازگو کرد، به گفتار او توجهی نکرد و خروج نمود، این از اسرار پروردگار است، او را از نااهلان نگهدارید.

عرض دین بر معصوم

حدَّثنا علی بن احمد بن موسی الدَّقَّان (رضی عنه الله) وعلی بن عبدالله الورَّاق جمیعاً قالوا: حدَّثنا محمد بن هارون الصوفی قال: حدَّثنا ابو تراب عبیدالله بن موسی الرویانی، عن عبدالعظیم ابن عبدالله الحسنی قال: دخلت علی سیدی علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السَّلام) فلما بصر بی قال لی: مرحباً بک یا اباالقاسم، انت ولینا حقاً قال: فقلت له: یا بن رسول الله! انی اُرید ان اعرض علی دینی، فان کان مرضیاً ثبتُ علیه حتّی الفی الله عزّوجلّ فقال: هات یا اباالقاسم فقلت: انّی اقول انّ الله تعالی واحد لیس کمثله شیء، خارج من الحدّین: حدّ الابطال و حدّ التشبیه، و انه لیس بجسم ولا صورہ ولا عرض ولا جوهر، بل هو مجسّم الاجسام، ومصوّر الصور، وخالق الاعراض والجواهر، وربُّ کلّ شیء و مالک و خالقہ، وجاعله ومحدثه، وانّ محمّداً عبده ورسوله خاتم النبیین، فلا نبی بعده الی یوم القیامه، وانّ شریعته خاتمه الشرائع، فلا شریعه بعدها الی یوم القیامه، واقول انّ الامام والخلیفه وولی الامر بعده امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السَّلام)، ثمّ الحسن، ثمّ الحسین، ثمّ علی بن الحسین،

ثمَّ مُحَمَّدٌ بنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ جَعْفَرُ بنِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بنِ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بنِ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدٌ بنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ أَنْتَ يَا مُوَلَايَ فَقَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ: قُلْتُ، وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا مُوَلَايَ قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصَهُ، وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يُخْرَجَ فِيمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِّتَ ظُلْمًا وَجورًا قَالَ: فَقُلْتُ: أَقْرَرْتُ، وَاقُولُ أَنَّ وَلِيَّهُمْ وَلِيُّ اللَّهِ، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ، وَطَاعَتُهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ، أَقُولُ أَنَّ الْمِعْرَاجَ حَقٌّ، وَالْمَسْأَلَةَ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ، وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ، وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَاقُولُ أَنَّ الْفَرَائِضَ الْوَاجِبَةَ بَعْدَ الْوَلَايَةِ الصَّلَاةَ، وَ الزَّكَاةَ، وَ الصُّومَ، وَ الْحَجَّ، وَ الْجِهَادَ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَقَالَ عَلِيُّ بنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): يَا أَبَا الْقَاسِمِ! هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ فَاتَّبِعْ عَلَيْهِ، تُبْتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ. [٣٥] عَبْدِ الْعَظِيمِ حَسَنِي فَرَمُود: بَرِ آقَا وَ مُوَلَايَ خُودِ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَارِدِ شَدَم، چُونِ نَظَرِ آنِ حَضْرَتِ بَرِ مِنْ اِفْتَادِ، فَرَمُود: مَرَحْبَا اِيْ اِبُو الْقَاسِمِ! تُو حَقًّا اَزِ دُوسْتَانِ مَا هَسْتِي عَبْدِ الْعَظِيمِ كُفْتِ: عَرَضِ كَرْدَمِ: اِيْ پَسَرِ پِيْغَمْبَرِ! مِيلِ دَارَمِ عَقَائِدِ دِيْنِيْ خُودِ رَا بَرِ شَمَا عَرَضِهِ بَدَارَمِ، اِگَرِ مُورِدِ پَسَنْدِ بَاشَدِ بَرِ اوْ ثَابِتِ بَاشَمِ تَا بَهْ لَقَايِ خُداوَنْدِ بَرِ سَمِ اِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَرَمُود: عَقَائِدِ خُودِ رَا اِظْهَارِ نَمَا كُفْتِ: عَرَضِ كَرْدَمِ: مِنْ مَعْتَقَدِمِ خُدا يَكِيْ اسْتِ وَ مَانَنْدِ اوْ چِيْزِيْ نِيْسْتِ، وَ اَزِ دُو حُدِّ اِبْطَالِ وَ تَشْبِيْهِ بِيْرُونِ اسْتِ، خُداوَنْدِ جِسْمِ وَ صُورْتِ وَ عَرَضِ وَ جُوهَرِ نِيْسْتِ، بَلَكِهْ پَرُورْدِ گَارِ اجْسَامِ رَا جِسْمِيْتِ دَاوَدِ وَ صُورْتِ هَا رَا تَصْوِيْرِ فَرَمُودِه، وَ اعْرَاضِ وَ جُوهَرِ رَا آفَرِيْدِه اسْتِ، اوْ خُداوَنْدِ هَمِهْ چِيْزِ وَ مَالِكِ وَ مَحْدَثِ اَشْيَاءِ اسْتِ. عَقِيْدِه دَارَمِ مُحَمَّدِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) بَنْدِه وَ فَرَسْتَاوَدِيْ اوْ خَاتَمِ پِيْغَمْبَرَانِ اسْتِ، وَ پَسِ اَزِ وِيْ تَا رُوزِ قِيَامْتِ پِيْغَمْبَرِيْ نَخُواهَدِ بُوْدِ، شَرِيْعْتِ وِيْ آخِرِيْنَ شَرَايِعِ بُوْدِه وَ پَسِ اَزِ اوْ دِيْنِيْ وَ مَذْهَبِيْ نَخُواهَدِ اَمْدِ. عَقِيْدِه يِ مِنْ دَرْبَارِه يِ اِمَامْتِ اِيْنِ اسْتِ كِهْ اِمَامِ بَعْدِ اَزِ حَضْرَتِ رَسُوْلِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بنِ اَبِيْ طَالِبِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْتِ، بَعْدِ اَزِ اوْ حَسَنِ، پَسِ اَزِ وِيْ حَسِيْنِ وَ عَلِيِّ بنِ الْحَسِيْنِ وَ

محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (علیهم السّلام)، بعد از اینها امام مفترض الطاعه شما هستید در این هنگام حضرت هادی (علیه السّلام) فرمود: پس از من فرزندم حسن امام است لیکن مردم درباره‌ی امام بعد از او چه خواهند کرد گوید: عرض کردم: ای مولای من! مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است فرمود: امام بعد از فرزندم حسن شخصش دیده نمی‌شود و اسمش در زبانها جایز نیست ذکر گردد تا آن گاه که از پس پرده غیب بیرون شود و زمین را از عدل و داد پر نماید، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد عبدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می‌گوییم: دوست آنان دوست خدا، و دشمن ایشان دشمنان خدا هستند. طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت اوست. من عقیده دارم که معراج و پرشش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حقند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند همه‌ی مردگان را زنده خواهد کرد، و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت‌اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر در این هنگام حضرت هادی (علیه السّلام) فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند این معتقدات شما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد.

ویژگی انتظار

۵. الحسين بن علی العلوی، عن سهل بن جمهور، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن الحسن بن الحسين العرنی، عن علی بن هاشم، عن ابیه، عن ابی جعفر (علیه السّلام) قال: ما ضرّ من مات منتظراً لامرنا الا یموت فی وسط فسطاط المهدی وعسکره. [۳۶] علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر (علیه السّلام) روایت کرده که آن جناب فرمود: کسی که

در انتظار «امر» ما باشد زیانی به او نخواهد رسید، و این شخص مانند این است که در وسط خیمه‌ی حضرت مهدی و در میان لشکر آن جناب مرده باشد.

شرایط غیبت

۶. حدّثنا محمد بن احمد الشیبانی (رضی الله عنه)، قال: حدّثنا محمد بن جعفر الکوفی - قال: حدّثنا سهل بن زیاد الادمی قال: حدّثنا عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) عن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) عن ابیه عن آباءه عن امیرالمؤمنین (علیهم السّلام) قال: للقائم منّا غیبه امدها طویل، کأنی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبه، یطلبون المرعی فلا یجدونه، الا فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول امد غیبه امامه فهو معی فی درجتی یوم القیامه ثم قال (علیه السّلام): انّ القائم منّا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی ولادته ویغیب شخصه. [۳۷] عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد (علیه السّلام) و او از آباء گرامش از امیرالمؤمنین روایت نموده که آن بزرگوار فرمود: برای قائم ما غیبتی است که زمان آن بطول خواهد انجامید، من شیعیان را می بینم در غیبت او مانند گوسفندان که در جستجوی چراگاه این طرف و آن طرف می روند سرگردان خواهند شد، و هرگز بوجود شریف آن حضرت راه پیدا نخواهند کرد. اکنون متوجه باشید هر کس از شیعیان ما در زمان غیبت بر دین و عقیده‌ی خود ثابت بماند، و دلش از طول غیبت خسته نگردد، وی در روز قیامت در نزد خودم قرار خواهد گرفت بعد از آن حضرت فرمود: قائم ما هرگاه قیام نماید تحت تبعیت احدی نخواهد بود، و برای این است که ولادت او از مردم مخفی می ماند، و وجود مقدسش از انظار غایب می گردد.

منتظران، بهترین اهل زمان

٧. حدَّثنا علی بن عبد الله الورَّاق قال: حدَّثنا محمد بن هارون الصوفى، عن عبد الله بن موسى، عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی (رضى الله عنه) قال: حدَّثنى صفوان بن يحيى، عن ابراهيم بن ابى زياد، عن ابى حمزه الشمالى، عن ابى خالد الكابلى قال: دخلت على سيِّدى على بن الحسين زين العابدين (عليهما السَّلام) فقلت له: يا بن رسول الله! اخبرنى بالذين فرض الله عزَّوجلَّ طاعتهم و مودَّتْهم، و اوجب على عباده الاقتداء بهم بعد رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال لى: يا كابلى! انَّ اولى الامر الذين جعلهم الله عزَّوجلَّ ائمه للناس و اوجب عليهم طاعتهم: امير المؤمنين على بن ابى طالب (عليه السَّلام)، ثمَّ الحسن، ثمَّ الحسين ابنا على بن ابى طالب. ثمَّ انتهى الامر لينا، ثمَّ سكت فقلت له: سيِّدى! روى لنا عن امير المؤمنين (على) (عليه السَّلام) انَّ الارض لا تخلو من حجَّه لله عزَّوجلَّ على عباده، فمن الحجَّه و الامام بعدك قال: ابنى جعفر، واسمه فى التوراه باقر؛ يبقر العلم بقرأ، هو الحجَّه و الامام بعدى، و من بعدى محمد ابنه جعفر، واسمه عند اهل السماء الصادق فقلت له: يا سيِّدى! فقلت فكيف صار اسمه الصادق و كلُّكم صادقون قال: حدَّثنى ابى ابيه (عليهما السَّلام) انَّ رسول الله (عليه السَّلام) قال: اذا ولد ابنى جعفر بن محمد على بن الحسين بن على بن ابى طالب (عليهم السَّلام) فسموه الصادق؛ فانَّ للخامس بن ولده ولداً اسمه جعفر يدعى الامامه اجترأ على الله و كذباً عليه فهو عند الله جعفر الكذاب المفترى على الله عزَّوجلَّ، والمدعى لما ليس له بأهل، المخاف على ابيه و الحاسد لاختيه، ذلك الذى يروم كشف ستر الله عند غيبه و لى الله عزَّوجلَّ ثمَّ بكى على بن الحسين (عليهما السَّلام) بكاء شديداً ثمَّ قال: كائى بجعفر الكذاب و قد حمل طاغيه زمانه على تفتيش امر و لى الله، و المغيب فى حفظ الله و التوكيل بحرم ابيه جهلاً منه بولادته، و حرصاً منه على قتله ان ظفر به (و) صمماً فى ميراثه حتى يأخذه بغير حقّه قال ابو خالد: فقلت له: يا بن رسول الله! وانَّ ذلك لكائن فقال: اى و ربى انَّ ذلك لمكتوب عندنا فى الصحيفه التى فيها ذكر المحن التى تجرى علينا بعد رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) قال ابو خالد: فقلت: يا بن رسول الله! ثمَّ يكون ماذا قال: ثمَّ تمتدَّ الغيبه بولى الله عزَّوجلَّ الثانى

عشر من اوصیاء رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) والائمه بعده یا ابا خالد! ان اهل زمان غیبه القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان؛ لان الله تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام والمعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده، وجعلهم فی ذلك الزمان بمنزله المجاهدين بين یدی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بالسيف، اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقا، والدعاه الى دين الله عزوجل سراً وجهرأ و قال علی بن الحسین (عليهما السلام): انتظر الفرج من اعظم الفرج. [۳۸] ابو خالد کابلی گوید: بر سید خود علی بن الحسین (عليهما السلام) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! از کسانی که خداوند اطاعت از آنها را پس از پیغمبر واجب نموده و بندگان خود را به اقتدای آنان ملزم ساخته است مرا آگاه نما حضرت فرمود: ای کابلی! اولوالامری که پروردگار آنها را برای مردم پیشوا قرار داده و اطاعت ایشان را واجب نموده است، اولین آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بعد از وی دو فرزندش حسن و حسین (عليهما السلام) هستند، پس از این دو نفر مقام آنان به ما رسیده، پس حضرت ساکت شدند ابو خالد گوید: عرض کردم: ای سرور من! برای ما روایت کرده اند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: زمین هیچگاه از حجت خدا خالی نمی ماند پس حجت و امام بعد از تو کیست حضرت فرمود: فرزند من محمد که نام او در تورات باقر است؛ زیرا که علم را از هم خواهد شکافت و حقائق آن را برای مردم بازگو خواهد کرد او امام و حجت بعد از من است، پس از وی فرزندش «جعفر» حجت و امام است و نام او در نزد اهل آسمان «صادق» است راوی گوید: عرض کردم: ای سید من! چگونه وی را «صادق» نامیده اند در حالی که شما اهل بیت همه صادق و راستگو هستید حضرت فرمود: پدرم از پدرش روایت کرده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه فرزندم جعفر بن محمد متولد شد او را صادق نام بگذارید؛ زیرا که پنجمین فرزند او که جعفر نام خواهد داشت مدعی مقام امامت خواهد شد، وی در نزد پروردگار کذاب و مفتری محسوب است و مدعی مقامی است که اهلیت آن را ندارد، او با پدرش

مخالفت می‌نماید و به برادرش حسد می‌ورزد، او در هنگامی که ولیّ خدا غایب است قصد افشای اسرار پروردگار را خواهد کرد پس از این حضرت سجّاد (علیه‌السّلام) گریه زیادی نموده و فرمود: گویا می‌بینم جعفر کذاب را در حالیکه طاغیه‌ی زمان خود را در جستجوی امر ولیّ خدا راهنمایی می‌کند، و حال اینکه ولیّ پروردگار در محافظت خداوند قرار گرفته و وکالت حرم پدرش بعهدی وی نهاده شده، جعفر کذاب از روی جهلی که به ولادت ولیّ عصر دارد حریص است که آن حضرت را بعد از ولادت بقتل برساند برای اینکه به میراث پدرش دست پیدا کند و ارث او را بدون استحقاق دریافت نماید ابو خالد گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! این اموری که فرمودید انجام خواهد گرفت حضرت فرمود: آری به پروردگارم سوگند این مطالب در صحیفه‌ای که نزد ما موجود است نوشته شده، و در آن صحیفه تمام سختیها و پیش آمدهایی که برای ما پیش آمد خواهد کرد مضبوط است ابو خالد گوید: عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد حضرت فرمود: پس از آن غیبت ولیّ خدا و دوازدهمین وصیّ حضرت رسول و ائمّه (علیهم‌السّلام) به درازا خواهد کشید فرمود: ای ابو خالد! مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان هستند؛ زیرا خداوند به اندازه‌ای به آنان فهم و خرد و شناخت مرحمت فرموده که غیبت در نزد آنها بمنزله مشاهده، و مردم آن زمان مانند کسانی که در پیشاپیش مقابل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلّم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقّاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند، و آنانند که مردم را بسوی دین خدا در آشکار و پنهان دعوت می‌کنند و در پایان حدیث حضرت فرمود: انتظار فرج از بهترین اعمال است.

ویژگی‌های مهدی

۸. حدّثنا علی بن احمد بن موسی الدقاق (رضی الله عنه) قال: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی قال: حدّثنا ابو تراب عبدالله بن موسی الرویانی قال: حدّثنا عبدالعظیم ابن عبدالله

بن علی بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) [الحسنی قال: دخلت علی سیدی محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) وانا أريد ان أسأله عن القائم اهو المهدي او غيره، فابتد انی فقال لی: يا ابا القاسم! أن القائم منّا هو المهدي يجب ان ينتظر في غيبته، ويطاع في ظهوره، وهو الثالث من ولدی، والذي بعث محمداً (صلى الله عليه و آله و سلم) بالنبوه وخصنا بالامامه انه لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه فيملاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، وان الله تبارك وتعالى ليصلح له امره في ليله كما اصلح امر كليمه موسى (عليه السّلام) اذ ذهب ليقبس لاهله ناراً فرجع و هو رسول نبی ثم قال (عليه السّلام): افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج [۳۹] عبدالعظيم حسنی گفت: بر ابو جعفر محمد بن علی (عليهما السّلام) وارد شدم و قصد داشتم که از آن حضرت راجع به «قائم» که آیا مهدی همان است پرسش نمایم. قبل از این که من موضوع سؤال را مطرح کنم، آن بزرگوار خود آغاز سخن فرمود، گفت: این ابوالقاسم! بدرستی که قائم از خاندان ما همان «مهدی» است که واجب است انتظار او کشیده شود در غیبتش، و اطاعت گردد در ظهورش، وی سومین فرزند از اولاد من است. سوگند به خدایی که محمد را براستی برانگیخت، و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طول خواهد داد که تا مهدی از پشت پرده‌ی غیبت بیرون گردد، و زمین را از عدل و داد پر نماید همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، خداوند امور ولی عصر را در یک شب اصلاح خواهد نمود، به همان روشی که امر موسی بن عمران را در هنگامی که رفت از کوه آتش بیاورد اصلاح فرمود و او را به اهلش برگردانید در حالیکه پیغمبر بود و در پایان حدیث حضرت فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

نتیجه روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی درباره امام عصر

از روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) در باره امام عصر (علیه السلام) می توان به نتایج و تعالیم زیر دست پیدا کرد: ۱. امام زمان (علیه السلام) سومین فرزند امام محمد تقی (علیه السلام) و همنام و هم کنیه با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۲. امام عصر (علیه السلام)، پس از آنکه جهان سرشار از ظلم و ستم شده است، آن را از عدل و داد آکنده می کند. ۳. تعداد یاران اولیه او در ابتدا ۳۱۳ نفر و به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر است و پس از آن با سپاهی که ده هزار نفر می باشند به فرمان الهی قیام می کند. ۴. بیعت هیچ کسی در گردن او نیست. ۵. از دشمنان خدا، آن قدر می کشد تا خداوند خشنود گردد. ۶. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند، چنان که مشکل موسای کلیم را در یک شب اصلاح کرد. ۷. بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است و بهترین افراد منتظران ظهور اویند. فیارب عجل فی ظهور امامنا فهذا دعاء للبریه شامل.

پاورقی

- [۱] جنه النعیم والعیش السلیم، المولی باقر بن اسماعیل المازندرانی (م ۱۳۱۳ هـ - ق) ص ۴۴۴ چاپ سنگی تهران.
- [۲] جنه النعیم، ص ۴۰۲
- [۳] الذریعه، ذیل عنوان خطب امیر المؤمنین (علیه السلام).
- [۴] من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰
- [۵] روضات الجنات، محمد باقر الخوانساری، ج ۴، ص ۲۱۰
- [۶] قاموس الرجال، التستری، ج ۵، ص ۳۷۴
- [۷] معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹
- [۸] رساله صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج ۱، ص ۳۵۶؛ روضات، ج ۴، ص ۲۰۸ حضرت آیه الله خویی نوشته اند این روایت لا اقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹).

- [۹] توحید، ص ۸۱ - ۸۲، روضات، ج ۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.]
- [۱۰] روضات، ج ۴، ص ۲۱۱ به نقل از ثواب الاعمال، ص ۴۶۰، قاموس الرجال، ح ۵، ص ۳۴۶
- [۱۱] ریحانه الادب، محمدعلی مدرس تبریزی.
- [۱۲] جنه النعیم.
- [۱۳] روضات، ج ۴، ص ۲۰۸.
- [۱۴] سرالانساب، ص ۱۰، به نقل ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۹.
- [۱۵] جنه النعیم، ص ۴۷۹؛ ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۷.
- [۱۶] رجال نجاشی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۷ ه.ق.
- [۱۷] جنه النعیم، ص ۴۷۱.
- [۱۸] منتقله الطالیه، نسخه عکسی کتابخانه لغت نامه دهخدا.
- [۱۹] امام فخر رازی (م ۶۰۶ ه) از دانشمندان اهل سنت است.
- [۲۰] الشجره المبارکه، ص ۶۴، منشورات کتابخانه آیه الله مرعشی.
- [۲۱] جنه النعیم، ص ۴۰۱.
- [۲۲] کتاب الرجال، چاپ مرحوم محدث، ص ۲۲۶.
- [۲۳] روضات، ج ۴، ص ۲۱۰.
- [۲۴] عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۷۵.
- [۲۵] الفصول الفخریه، چاپ مرحوم محدث، ص ۱۰۷.
- [۲۶] روضات، ج ۴، ص ۲۰۹ و آن از ارواشح.
- [۲۷] مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۷.
- [۲۸] وسائل، چاپ دار احیاء التراث، ج ۲۰، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.
- [۲۹] جامع الرواه، الارذیبلی، ص ۴۶۰.
- [۳۰] شعب المقال، النراقی، ص ۷۰ - ۷۱ ر.ک: مقاله «عظمت شخصیت عبدالعظیم حسنی

- (علیه السلام)، سید جعفر شهیدی، مجله علوم حدیث، ش ۱.
 [۳۱] البقره / ۱۴۸.
 [۳۲] کمال الدین ۱ / ۳۶؛ الاحتجاج ۲ / ۲۴۹.
 [۳۳] معانی الاءخبار ص ۱۳۹، باب معنی الرجیم.
 [۳۴] کمال الدین، ب ۲۸، ح ۳.
 [۳۵] الامالی للصدوق ۴۱۹؛ روضه الواعظین ۳۱؛ کفایه الاثر ۲۸۶.
 [۳۶] الکافی ۱ / ۳۷۲.
 [۳۷] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳.
 [۳۸] کمال الدین و تمام النعمه ۳۱۹.
 [۳۹] کمال الدین، ص ۳۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
 الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن

مذهبی، گردشگری و...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط) (۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده

ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت

مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: 53-0609-0621-0000-0000-0180-IR90 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».